

کنفرانس مونیخ ۲۰۲۵، بازتاب پدرسالاری سیاسی و راهبرد نوین برای آینده دموکراتیک ایران

ژینا سنندجی

زنداد و کنشگرسیاسی



کنفرانس امنیتی مونیخ ۲۰۲۵، یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی جهان، بار دیگر موضوع ایران و اپوزیسیون این کشور را در کانون توجه قرار داد. اما به‌جای آنکه این فرصت به همگرایی و تدوین یک نقشه‌راه مشترک برای گذار به دموکراسی منجر شود، به صحنه‌ای برای بازتولید فرهنگ شخص‌محوری و پدرسالاری سیاسی بدل شد. حضور رضا پهلوی و تلاش برخی برای معرفی او به‌عنوان «رهبر دوران گذار»، با استقبال بخشی از سلطنت‌طلبان و انتقاد جدی نیروهای جمهوری‌خواه، چپ و دموکرات همراه بود. اپوزیسیون مخالف با خود خط و نشان بکشد! این گروه که عموماً پس‌اط برآمدن جنبش زن – زندگی – آزادی جان گرفته و تن بیمار و فروتوت خود را از زیر لحاف بیرون کشیدند دیرزمانی پیش مدعی بودند که مدعیان سلطنت با اعطای وکالت و اخذ بلیط قطار می‌توانند بجای پرواز انقلاب با قطار به تهران روند. آن قطار در اول سفر بعثت بی مسافری به اتوبوس و آخرش به مینی بوس تبدیل و در نهایت مشخص شد بعثت بی مسافری پرواز تک نفره با هواپیماهای اسرائیلی جایگزین خواهد شد.

رضا پهلوی حتی سیره پدرش را که هیچگاه به اسرائیل سفر نکرد و صرفاً به اسرائیل اجازه داد بصورت دوفاکتوره به جای سفارت در تهران «دفتر نمایندگی» داشته باشند، بارسفر زیارت عتبات عالیه رابست و به مناطق اشغالی عازم شد تا در کنار دیوار ندبه با کلاه گذاری بدعت موسی با نتانیاهو بیعت نماید. حمله اسرائیل به ایران بهعنوان یک کشور بیگانه که خود عمری است حقوق مردم ستمدیده فلسطین با همکاری گروه های خود ساخته و خودن ساخته همچون حماس پایمال کرده، باعث انزوای گروه هائی شد که از متجاوزان به ایران حمایت کرده بودند و نظیر شب بانوی بعدی هورا می کشیدند که «بزن، بزن، خوب می زنی». پیامد سکوت هوشمندانه جنبش مردمی در قبال حمله اسرائیل علیرغم نفرت بیکران از رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی، باعث شد دارودسته فراشگردی ها برای جبران مافات با حمایت رسمی و بی دریغ موساد در روز شنبه چهارم امردادماه در شهر مونیخ به برگزاری کنفرانسی به نام «همکاری ملی» در صدد حمایت ایرانیان خارج نشین از مهلکه بدنامی برآیند. اگر چه استقبال از این کنفرانس از کنفرانس ها و سایر گردهمائی های مشابه بشدت کمتر بود اما چون کشتی نوح از هر فرقه ای چند نفری خود را به لبه کشتی آویزان کرده و برای غرق نشدن در ننگ ابدی مردم ایران به سجده و رکوع و قنوت پرداختند تا دعای نجات غریق را با ساز و آوازی یکسان قرائت نمایند. در این میان مضحکه تنی چند از فدائیان سابق و به اصطلاح جمهوریخواهانی که کتاب «جمهور افلاتون» را با کتاب «ماموریت برای وطنم» یکی دانسته و به جای شکوفائی جمهوری اسلامی به شکوفه های سلطنت استبدادی تن داده اند بیش از پیش حقارت همکاران دهه شصت جمهوری اسلامی را نشان داد.

رخدادها و حواشی مونیخ ۲۰۲۵

رضا پهلوی مدعی شد که دعوتش به کنفرانس اصلی مونیخ تحت فشار جمهوری اسلامی لغو شده بود- ادعائی که وزارت امور خارجه آلمان آن را بی اساس می داند - لذا او و هوادارانش نشست های موازی برگزار کردند که بیش از آنکه بر محتوا و برنامه ریزی سیاسی متمرکز باشد، رنگ و بوی نمایش شخصی و نمادین داشت.

یکی از جنجالی ترین حواشی گردهمائی موسوم به «وحدت ملی»، اقدام فردی به نام محمد فرامرزی با سابقه همکاری و همراهی با سردار گزانبیری محمدباقر قالیباف رئیس فعلی طویله اوژیاس بود که در برابر تصویر رضا پهلوی، حرکتی شبیه سجده انجام داد. این رفتار، از نظر نمادشناسی سیاسی، بازتاب همان تقدس بخشی مطلق به رهبر در فرهنگ ولایت فقیه است، با این تفاوت که این بار «ولی فقیه» کراوات و کتوشلوار بر تن دارد و نماد سلطنت است. واکنش رضا پهلوی، که با لبخند و برپاشدن و کف زدن همراه بود- تو گوئی که صندلی ها میخ دارد که نمیتوان نشست -، به جای محکوم کردن این کنش، آن را عادی سازی کرد و مرز خود را با شخص پرستی روشن ساخت. انجام نمادین فرایض قنوت، رکوع و سجود توسط سلطنت طلبان باردیگر

همزیستی شیخ و شاه در قالب دین و تاج را نشان داد. رضا پهلوی نیز مثل حضرت بهشتی فرمودند « ما شیفته گان خدمت به مردم هستیم نه تشنه کان قدرت »؟!

حاشیه دیگر، مواضع سرکارخانم یاسمین اعتماد امینی- موسوم به یاسمین پهلوی- همسر رضا پهلوی بود که اگر چه زبان فارسی را به خوبی نمی داند، اما تندوتیز شعار «مرگ برسه مفسدین ، ملا و چپی ومجاهدین » را مثل طوطی در هر کوی و برزن تکرار می کند و رسماً خواستار نابودی و اعدام آنها شده است. این روی کرد آشکارا با ادعای «رهبری گذار برای همه گروه ها» در تضاد است و پیام حذف گرایی را به جامعه منتقل می کند. البته که این شعار برای ما فرزندان پدرانی که قبل انقلاب و در دهه شصت نیست و نابود شدند و خودما که در جنبش های اخیر حلق آویز شدیم چندان بیگانه نیست و نشان از کرامات شیخ جدید دارد.

حاصل این کنفرانس صدور منشورنامه ای به نام « دفترچه دوران اضطرار» بوده که بررسی آن با مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی قرابت های بیشماری نظیر حذف نهادهای کارگری، نادیده گرفتن حقوق اجتماعی، فقدان ساختارهای تضمین کننده آزادی های سیاسی واقعی، سکوت و سرکوب موضوع ملیت ها، تقیل برابری و عدالت جنسیتی به مفاهیم شکلی و سرانجام تمرکز کامل قدرت در دست « ولی فقیه آینده» یعنی رضا پهلوی یا کسی که خود و هوادارانش ادعای حکومت موروثی دارند و از همین حالا در صدد حذف مخالفان و منتقدان خود هستند، این دفترچه که به نظر اینجانب در فرایند بعدی به جزوه و درنهایت به چندبرگی تقلیل خواهد یافت که نمونه مشخصی از همان پیامبر ادعائی دوران سلطان سلیم در عثمانی دارد - در آن دوران یک نفر ادعای پیامبری کرد و هنگامی که سلطان از او پرسید اگر تو پیامبر منصوب خدا هستی کتابت چیست ؟ و پیامبر زرنگ هم پاسخ داد من در زمره پیامبرانی هستم که جزوه می گویم و کتاب ندارم؟! -

نقد فرهنگ «پدر انقلاب» و پدرسالاری سیاسی

مفهوم «پدر انقلاب» یا «پدر ملت» ریشه در الگوهای پدرسالارانه دارد، جایی که رهبر همچون پدر خانواده، مرجع نهایی تصمیم گیری است و پاسخگویی اش به مردم محدود یا بی معناست. چنین الگویی، چه در قالب ولایت فقیه و چه در سلطنت موروثی، قدرت را در دست یک فرد متمرکز می کند و برکناری او تنها با بحران یا انقلاب ممکن است.

تجربه معاصر ایران - از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی - نشان می دهد که این ساختارها اگرچه حتی ممکن است با برخی ظواهر و بنیادهای تجدد همراه باشد، به استبداد، فساد و حذف مخالفان می انجامد و مانع شکل گیری فرهنگ پاسخگویی و حاکمیت قانون می شوند.

ولایت فقیه و سلطنت شخص محور: دو روی یک سکه

ولایت فقیه مشروعیت خود را از مذهب و انتخاب غیرمستقیم می گیرد و سلطنت موروثی از وراثت و حق خون. درواقع درهر دو مدل پاسخگویی نهادی به مردم ندارند، قدرت را در شخص رهبر متمرکز می کنند، مخالفان را حذف یا بی اثر می کنند و قانون را زیر اراده فرد قرار می دهند.

بدیل دموکراتیک: رهبری انتخابی و پاسخگو

مدل دموکراتیک، برآمده از رأی مستقیم یا غیرمستقیم مردم و محدود به قانون، تنها الگویی است که امکان گردش مسالمت آمیز قدرت و برکناری رهبر را از طریق فرآیند قانونی فراهم می کند. تجربه کشورهای موفق دموکراتیک نشان می دهد که این مدل می تواند تنوع فکری و سیاسی را تحمل کرده و از تمرکز خطرناک قدرت جلوگیری کند.

ضرورت ورود نیروهای چپ با راهبرد روشن

اتفاقات مونیک ۲۰۲۵ نشان داد که اگر نیروهای چپ و جمهوری خواه با برنامه روشن و اتحاد عملی وارد صحنه نشوند، میدان سیاست اپوزیسیون بیش از پیش در اختیار نیروهای شخص محور و پدرسالار قرار خواهد گرفت. برای پرهیز از تکرار چرخه های اقتدارگرایی، چپ باید با پالایش فکری و سازمان دهی عملی، بدیل دموکراتیک خود را به جامعه ارائه دهد.

منشور راهبردی نیروهای چپ ایران

۱. پالایش فکری و بازتعریف هویت

- کنار گذاشتن دگم های ایدئولوژیک که مانع تعامل با دیگر نیروهای آزادی خواه است.
- تأکید بر دو اصل بنیادین: آزادی (بیان، تشکل، انتخاب) و برابری (اقتصادی، اجتماعی، جنسیتی، قومی).
- پذیرش تکرر درون جنبش و نقد صریح اشتباهات تاریخی.

۲. اتحاد عمل

- همکاری عملی حول اهداف مشترک، بدون الزام به ادغام سازمانی.

- تشکیل جبهه‌های مشترک برای موضوعاتی مانند (آزادی زندانیان سیاسی، حقوق کارگران و برابری جنسیتی، مقابله با تبعیض قومیتی و جنسیتی).
- نمونه جهانی:** جبهه متحد مردمی شیلی به رهبری آلنده که احزاب مختلف را برای پیروزی در انتخابات ۱۹۷۰ متحد و اخیراً هم مجدداً به قدرت رسیدند کرد.

۳. شعار محوری تاکتیکی

آزادی زندانیان سیاسی، آب، برق، زندگی حق مسلم ماست

این شعار هم سیاسی است و هم اجتماعی و توان بسیج اقشار مختلف را دارد.

نمونه جهانی: جنبش همبستگی لهستان با شعار «نان و آزادی» و جنبش ضد آپارتاید با مطالبه آزادی برعبری نلسون ماندلا.

۴. شعار استراتژیک

برقراری جمهوری دموکراتیک مردمی

جمهوری‌ای متکی بر رأی و اراده مردم، با کنترل دموکراتیک بر منابع حیاتی و تضمین حقوق برابر برای همه شهروندان. که برآمده از رفرندام و مجلس موسسان باشد

نمونه جهانی: مبارزات نپال برای لغو سلطنت و تأسیس جمهوری فدرال سکولار.

۵. پیوند تاکتیک و استراتژی

شعارهای تاکتیکی باید آگاهی عمومی را به ضرورت ساختار دموکراتیک برسانند. آزادی زندانیان سیاسی و تأمین حقوق معیشتی، پل رسیدن به جمهوری دموکراتیک است.

نمونه جهانی: انقلاب پرتغال که از مطالبات معیشتی آغاز و به گذار دموکراتیک انجامید.

۶. برنامه عملی

۱. تشکیل جبهه مشترک نیروهای چپ و دموکرات بر پایه حداقل برنامه مشترک.
۲. سازمان‌دهی کمپین‌های گسترده برای آزادی زندانیان سیاسی.
۳. حمایت از اعتراضات و اعتصابات صنفی.
۴. گسترش آموزش سیاسی و سازمان‌دهی در میان کارگران، زنان و جوانان.
۵. ایجاد شبکه رسانه‌ای مستقل و امن برای انتقال پیام و هماهنگی.

درس‌هایی از چپ نوین جهانی

آمریکای لاتین و شیلی - پیروزی گابریل بوریچ در شیلی، که از جنبش‌های دانشجویی و کارگری برخاست، نشان داد چپ با زبان تازه، تمرکز بر عدالت اجتماعی، محیط زیست و حقوق اقلیت‌ها می‌تواند نسل جوان و طبقه متوسط را با کارگران متحد کند.

آلمان و اروپا - در آلمان، حزب «دی لینکه» با ترکیب عدالت اجتماعی، سیاست سبز و ضدنولیبرالیسم، و در اسپانیا «پودموس» و در یونان «سیریزا» با گفتمان ضدریاضتی توانستند پایگاه اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کنند.

ویژگی مشترک چپ نوین

- گفتمان شمول‌گرا و جذب طیف‌های گوناگون.
- زبان ساده و تمرکز بر مشکلات روزمره مردم.
- پیوند مطالبات فوری با اهداف بلندمدت.
- ائتلاف گسترده با جنبش‌های زنان، محیط زیست و اقلیت‌ها.
- بهره‌گیری از رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی.

درس برای ایران: چپ باید پایگاه اجتماعی خود را فراتر از کارگران صنعتی گسترش دهد، گفتمان تازه بسازد و از فرقه‌گرایی پرهیز کند. در این میان کنارنهادن افکار خانه تیمی و غرقه شدن در بازنویسی روایت‌های کهنه برای پدیده‌های نو شرط اصلی عبور چپ از بیراهه‌های قبلی است.

ضرورت اتحاد جنبش کردها با حرکت سراسری

جنبش کردها، با سابقه طولانی مبارزه برای حقوق ملی و اجتماعی، باید آگاه باشد که قدرت‌های خارجی و منطقه‌ای در موارد متعدد از مسئله کردها به‌عنوان ابزار فشار استفاده کرده‌اند و در بزنگاه‌ها منافع خود را ترجیح داده‌اند.

بنابراین:

- کردها باید اتحاد خود را با جنبش سراسری مردم ایران حفظ کنند.
- مطالبات برحق فرهنگی، زبانی، اقتصادی و سیاسی را در چارچوب مبارزه مشترک برای یک ایران آزاد و برابر پیگیری کنند.

- از گرایش‌های پان‌کردیستی که می‌تواند موجب انزوا و سوءاستفاده خارجی شود، پرهیز کنند.

نتیجه‌گیری

بدون شک جنبش در برآیند مبارزات بعدی حتماً و الزاماً رهبری و راهبری خود را در عمل بازخواهد یافت زیرا رهبری اعضای نشان و درچه نظامی نیست که با سلام نظامی آن هم توسط کسانی که با صدای فشنگ به اق خواب و زیر پتو پناه خواهند برد، بدست نمی‌آید. اولین و مهم‌ترین درس کنفرانس مونیخ ۲۰۲۵ این است که بدون عبور از پدرسالاری سیاسی و شخص‌محوری، آینده ایران در خطر تکرار چرخه‌های استبداد است. نیروهای چپ و دموکرات، با پالایش فکری، اتحاد عمل، شعارهای تاکتیکی ملموس و هدف استراتژیک روشن، و با الهام از تجربه‌های موفق جهانی، می‌توانند بدیل واقعی و مردمی برای آینده ارائه دهند. اتحاد همه نیروهای آزادی‌خواه – از کارگران و معلمان تا جوانان، زنان و اقوام – شرط ضروری گذار به جمهوری دموکراتیک مردمی است که آزادی و برابری را برای همه تضمین کند.

اتحاد – مبارزه – آزادی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک مردم سالار